

جناب عالی مدتی در لبنان به سر برده‌اید و از نزدیک، رهبران جنبشهای آزادیبخش ملی و اسلامی را می‌شناسید. تفاوت دبیر کل حزب الله با سایر رهبران نهضت‌های رهاییبخش جهان اسلام و عرب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شکی نیست که سید حسن نصرالله به عنوان رهبر یک جنبش آزادیبخش، تفاوت بسیاری با سایر رهبران جنبشهای آزادیبخش عرب که با آنان معاشرت کرده‌ام، دارد. من با مقامات رسمی و بلند پایه جهان عرب آشنا هستم و با رهبران گروهها، احزاب و نهضت‌های آزادیبخش مردمی، اسلامی و ملی در منطقه ارتباط داشته‌ام. صفات و ویژگیهایی را که آقای نصرالله دارد، بسیاری از شخصیت‌هایی که از آنان یاد کردم و پیش از او در میدان مبارزه حضور داشتند، ندارند. نخستین ویژگی آقای نصرالله که ایشان را از دیگر رهبران متمایز کرده است، ایثار و فداکاری ایشان است.

شاید یکی از امتیازات آقای نصرالله در مقایسه با رهبران نهضت‌های آزادیبخش و نیز بزرگمردانی که با او در حزب الله همکاری داشتند، این است که این بزرگمرد از نخستین لحظه‌ای که خود را شناخت، زندگی‌اش را وقف جهاد در راه خدا کرد، با خدا معامله کرد و خالصانه در راه خدا و اهداف الهی گام برداشت. او با شعار و با اعتقادات سنتی رایج نزد برخی از مؤمنان حرکت نکرد، بلکه اخلاص و فداکاری و وفاداری را به مکتب مبارزه واقعی تبدیل کرد و فرهنگ مقاومت و مبارزه را میان عموم اقشار جامعه، هواداران و توده شیعیان و حزب الله و رزمندگان مقاومت گسترش داد. سید حسن نصرالله با تمام وجود و به تمام معنا با فرهنگ مقاومت و اخلاص و فداکاری زیست. او در مکتب فرهنگ جهاد و مقاومت و رزم با دشمنان خدا و امت ذوب شد. او مصداق بارز گسترش اندیشه و خط مشی و شیوه نوین جهاد و حضور در میان توده مردم و علاقمندان به شهادت در راه خدا بود. به یقین می‌توان گفت هرگاه که سید حسن نخواهد طرح و برنامه و اهدافی را پیاده کند، خود قبل از دیگران مجری این هدف می‌شود.

ویژگی دوم دبیر کل حزب الله لبنان این است که برای تجربیات و اندیشه دیگران، بدون استئنا احترام قابل است، چه افرادی که با او اتفاق نظر دارند یا افرادی که با نظر او مخالف هستند. مردی است که همه تجربیات دیگران را غربال و از تجربیات موفق آنان بهره‌برداری می‌کند. این شیوه کسانی است که به پیوستگی حرکت نسل‌های ایمان دارند. کسی که پیوستگی نسل‌ها را باور دارد، در حقیقت به این آیه کریمه قرآن مجید که «یا ایها الانسان انک کاذب الی ریک کذحاً فملاقیه» اعتقاد دارد. آقای نصرالله به پیکار و تلاش مستمر

سید حسن نصرالله

من معتقدم که دلیل اصلی موفقیت حزب الله این است که سید حسن نصرالله، گروهگرا عمل نکرده است. گروه او نیز فرقه‌گرا نبوده است. او به رغم افتخار و مباهاتی که به مذهب تشیع دارد و به چنگ زدن به اندیشه پویای مذهب شیعی اصرار می‌ورزد، در عین حال به لبنانی بودن خود و وابستگی به منطقه جبل عامل (جنوب لبنان) و همه ویژگیهای جنوبی، انقلابی و فرزند ابودر غفاری بودن افتخار می‌کند.

انسان و استفاده از تجربیات دیگران و تداوم تلاش اعتقاد دارد. وجود این ویژگی در یک رهبر نمونه و بی‌نظیر ضروری است. ویژگی سوم سید حسن نصرالله که او را از دیگران متمایز می‌سازد، این است که جهت‌گیری قطب‌نمای ایشان بسیار دقیق است. او در نبردهای سیاسی فکری و فرهنگی بسیار دقیق و متعهد است و هرگز جهت‌گیری قطب‌نمای خود را تغییر نمی‌دهد. جبهه‌گیر یها، زد و بندهای سیاسی و رویدادها، خیلی در تصمیم‌گیری و راه مستقیم او ایجاد نمی‌کنند. بر این اساس، آقای نصرالله وارد درگیری‌های حاشیه‌ای نمی‌شود، بر خلاف جهت قطب‌نمای خود نمی‌جنگد و عقربه قطب‌نمای او فقط به سمت دشمن صهیونیستی و آمریکا، ایسان، آمریکا و اسرائیل را شمر مطلق می‌داند. هر اندازه دیگران با او به جنگ و ستیز برخیزند، اختلاف نظر پیدا کنند، از او انتقاد نمایند، در حق او مرتکب جرم شوند و یا او را به اتهامات واهی متهم نمایند، او هرگز از چهارچوب جهت‌گیری قطب‌نمای خود خارج نمی‌شود و کلیت فرهنگ مبارزه و جهاد او به سوی دشمن صهیونیستی است. همه تفنگها و سرنیزه‌های او دشمن اصلی را که همانا دشمن صهیونیستی است نشانده‌اند. سید حسن نصرالله همه امکانات و ابزارها و توان خود را برای تداوم جنگ با این دشمن بسیج کرده است. همه تلاشها و برنامه‌های حزب الله و رزمندگان مقاومت بر مبارزه با دشمن غاصب متمرکز شده است. لذا قدرت

آتش، اثرگذاری و همه توانها چند برابر می‌شوند. ناگفته نماند که تلاشها و عملکرد حزب الله با سایر گروههای انقلابی از نظر کیفی و کمی متفاوت است. آقای نصرالله در بهره‌برداری از امکانات دوستان هم مهارت دارد. از نقاط قوت دوستان و نقاط ضعف دشمنان به خوبی بهره‌برداری می‌کند. او همه امکانات و ابزارهای خود را در نبرد مرکزی و رویارویی با دشمن صهیونیستی بسیج کرده است. ابزار اطلاع‌رسانی، ابزار جنگ روانی، وسائل و جنگ افزار نظامی، نبرد امنیتی و اطلاعاتی همه در خدمت جنگ با اسرائیل به کار گرفته شده‌اند.

در حقیقت جهان‌بینی همه جانبه و دورنگری آقای سید حسن نصرالله، سبب شده است که ایشان در میان رهبران و بزرگان و سران جنبشهای رهاییبخش مردمی و اسلامی بی‌نظیر باشد. چرا اندیشه حزب الله در لبنان موفق و در کشورهای دیگر عربی ناموفق بوده است؟ آیا احتمال می‌دهید که طرح حزب الله در کشورهای دیگر نیز مورد قبول جوامع اسلامی قرار گیرد؟ من معتقدم که دلیل اصلی موفقیت حزب الله این است که سید حسن نصرالله، گروهگرا عمل نکرده است. گروه او نیز فرقه‌گرا نبوده است. او به رغم افتخار و مباهاتی که به مذهب تشیع دارد و به چنگ زدن به اندیشه پویای مذهب شیعی اصرار می‌ورزد، در عین حال به لبنانی بودن خود و وابستگی به منطقه جبل عامل (جنوب لبنان) و همه ویژگیهای جنوبی، انقلابی و فرزند ابودر غفاری بودن افتخار می‌کند. شیعی، انقلابی بودن، جنوبی بودن و روحانی اصولگرا بودن، همه در سید حسن نصرالله خلاصه شده است. ایشان ضمن اینکه انسانی انقلابی است، اما در عین حال انسانی متمسک است. زیرا از فرزندان مکتب اهل بیت (ع) است. او برخلاف افرادی که در ظاهر خود را وابسته به مکتب اهل بیت (ع) معرفی می‌کنند، توانست مکتب اهل بیت و امامان معصوم را در حرکت حزب الله و شیعیان لبنان مجسم سازد. او میان مکتب ائمه اهل بیت (ع) و عصر حاضر ارتباط مستقیم برقرار کرد، به گونه‌ای که این مکتب تأثیر چشمگیری بر سایر ملت‌های عربی و اسلامی برجای گذاشته است. اکنون روحانیون و اندیشمندان مسیحی، شخصیت‌های لائیک، ناسیونالیست، مارکسیست و پیروان همه مکاتب فکری از راستگویی و تعهد و رفتار معصومانه و پاک و جهان‌بینی انسانی حزب الله تجلیل و ستایش می‌کنند. امروز تجربه و فرهنگ مقاومت اسلامی لبنان به طرز بی‌سابقه‌ای به سایر کشورهای عربی و اسلامی سرایت کرده است. اکنون ملت‌های عرب و مسلمان به وجود مقاومت ضد صهیونیستی مردم لبنان

«تفاوت‌های سید حسن نصرالله با دیگر رهبران نهضت‌های آزادیبخش» در گفت‌وگو با سید محمد صادق حسینی دبیر مؤسسه گفت‌وگو ایران و عرب

حسن محمدی



درآمد

سید محمد صادق حسینی، نویسنده سرشناس و تحلیلگر مسائل خاورمیانه و ایران، سالیهای متعددی در بیروت، پایتخت لبنان، اقامت داشته و از رهبران جنبشهای اسلامی و ملی منطقه به ویژه حزب الله لبنان و مقاومت فلسطین و نیز شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی لبنان شناخت نزدیکی دارد. «شاهد یاران» درباره موقعیت آقای سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله، پس از رویدادهای اخیر لبنان با وی گفت‌وگویی داشته است، با هم این گفت‌وگو را میخوانیم.





نصرالله
سید حسن

شما با محیط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی لبنان آشنا هستید. به نظر شما پیروزی بزرگ حزب الله چه تأثیری بر سایر فرق و مذاهب و گروههای سیاسی لبنان خواهد داشت؟

من معتقدم که پیروزی اخیر حزب الله به بازنگری در نظام سیاسی لبنان منجر خواهد شد. نظام سیاسی لبنان از ابتدای تأسیس آن توسط استعمار فرانسه در نیمه اول قرن بیستم، بر پایه‌هایی سست مدتی، جنگهای داخلی در لبنان روی می‌دهد. میان جوامع فرقه‌ای لبنان نوعی نفاق و فریب و بی‌اعتمادی وجود دارد. در حقیقت همزیستی مسالمت‌آمیز فرقه‌ها، طوایف و مکاتب فکری و احزاب سیاسی لبنان، یک همزیستی ظاهری است. برخی از این فرقه‌ها بر اساس تئوری «به هر قیمتی می‌خواهیم زندگی کنیم و با هر طاغوتی سازش می‌کنیم» به حیات سیاسی و اجتماعی‌شان ادامه می‌دهند. سران برخی از فرقه‌ها می‌گویند که قدرت لبنان در ضعف آن است و باید دست زورمدارانی را که توان رویارویی با آنان نیست، بوسید. آنها معتقدند که لبنان باید بی‌طرفی خود را حفظ کند و کاری به کشمکش جاری خاورمیانه نداشته باشد. لبنان بیشتر بر اساس این تئوریه تأسیس شد، اما اوضاع درونی جامعه فرقه‌گرای لبنان چنین نبوده است. فرقه‌ها و گروههای سیاسی زورگو و قدرتمند با فرقه‌های کوچک‌تر زورگویی می‌کرده‌اند. فتوادلها بر اقلشار مستضعف جامعه حکومت می‌کردند و برخی از طوایف به ویژه شیعیان در محرومیت شدید به سر می‌بردند.

برای اولین بار بود که تجربه موفقیت‌آمیز و مستمر حزب الله که در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد به ویژه در جریان جنگ رهایی بخش سال ۲۰۰۰ که به آزادسازی سرتاسر جنوب لبنان (به استثنای کشتزارهای شیعا) منجر شد نیز جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶، لبنان را به یک ابرقدرت تبدیل کرد. همان‌گونه که آقای سید حسن نصرالله گفته است، لبنان به قدرتی تبدیل شد که اسرائیل از آن حساب می‌برد. لبنان به کشور نمونه و الگو و اسوه برای دیگران تبدیل شد. این تحول بنیادین تأثیر ژرفی بر اوضاع داخلی لبنان گذاشت. از این پس، شهروندان لبنانی اعم از مسیحی، مسلمان، شیعه، سنی، دروزی، مارونی، کاتولیک، علوی و پروتستان و حتی دشمنان دیرینه مقاومت فلسطین و سرسخت‌ترین دشمنان نهضت جهانی اسلام و حزب الله، خواهان برپایی نظام توانمند و عادلانه در لبنان هستند. اکنون مردی همچون سمیر جعجع، برپایی نظامی توانمند و عادلانه و امیدبخش و امیدوار کننده را مطالبه می‌کند. پیش از این در لبنان امکان نداشت چنین خواسته‌هایی مطرح شوند و روزی، سمیر جعجع که از پیروان مکتب «شارل مالک» و مارونیت سیاسی حاکم بر لبنان است، چنین خواسته‌هایی را مطرح کند. البته هر کدام برداشت خاص خود را از این نظام سیاسی دارند، اما جز تقاضای برپایی نظام عادلانه بر اساس برابری از دست هیچ کس کاری ساخته نیست. این پیروزی و دستاورد بزرگ توسط شخص سید حسن نصرالله تحقق یافته است. این دستاورد نتیجه آزمون موفقیت‌آمیز حزب الله و مقاومت اسلامی لبنان است. مقاومتی که همگان را می‌پذیرد و در برابر همه آغوش باز می‌کند، مقاومتی که همه شهروندان لبنانی را صرف نظر از گرایشهای فرقه‌ای و مذهبی و قومی، بسیج می‌کند. همه این تحولات نشان می‌دهند که سید حسن نصرالله و حزب الله، شهروندان آزادی را در لبنان به وجود آورده‌اند. این شهروندی بر معیار حفظ ارزشهای ملی، ارجمندی، غرور، قدرت، فروتنی متقابل و تسامح دینی میان همه استوار گردیده است. ■

مکتب حزب الله تنها راه حل است. رهبران جنبشهای آزادیبخش در موارد بسیاری دچار مشکلات و کشمکشهای جانبی شده‌اند، اما رهبری بی‌نظیر سید حسن نصرالله، جایگاه حزب الله را در دل ملت‌ها قرار داده است. بسیاری از رهبران نهضت‌های رهایی‌بخش به علت کشمکشهای درونی و حاشیه‌ای، محبوبیت و تأثیر خود را در میان مردم و هواداران خود از دست داده‌اند.

اثر خواهد گذاشت. آنان ناگزیرند در برنامه‌ها و سیاستهای خود تجدیدنظر کنند، زیرا در غیر این صورت، ملت‌های مسلمان و عرب بر ضد آنان بر می‌آیند. این بار افریقایان این زمامداران بر ضد آنان حرکت می‌کنند و نه توده مردم عادی. سید حسن نصرالله، میزان استعدادها و امکانات مورد نیاز برای تداوم نبرد با دشمن صهیونیستی را برای ملت‌ها مشخص کرد و توان آنان را برای پیوستن به جامعه مقاومت تشخیص داد.

اوضاع نشان می‌دهد به رغم دستاوردهای بی‌نظیر مقاومت، نظامهای حاکم هنوز بر موضع سرسختانه‌شان پافشاری و از بیگانگان دنباله‌روی می‌کنند.

آری، نهادهای روابط خارجی وابسته به این نظام‌ها هنوز به بیگانگان وابسته‌اند. مسئولان این نهادها تاکنون نتوانسته‌اند خود را دگرگون کنند، زیرا همه امتیازهای خود را از دست می‌دهند و زیان می‌بینند، به ویژه این که هنوز مردم در جهان عرب در صحنه حضور دارند و آماده‌اند تا تجربه حزب الله را به کشورشان منتقل نمایند. رهبران ملی و مردمی و عموم مردم آگاهند که اوضاع دگرگون خواهد شد و برای این دگرگونی برنامه‌ریزی می‌کنند. تعدادی از سران و رهبران کشورهای اسلامی با صدای رسا گفتند که باید از تجربه حزب الله درس بگیریم، رئیس جمهوری یمن این موضوع را به صورت روشن و گویا اعلام کرد. سران دیگری هم همین سخن را مطرح کردند، هر چند که سخنان آنان مناقه‌انه و ریاکارانه بوده است، اما به هر حال این چیزی است که از زبان آنان اعلام شد. این تحول بنیادین از برکات حزب الله و سید حسن نصرالله است. این نشان می‌دهد که ملت‌های عرب و مسلمان، خواسته‌هایشان را افزایش داده‌اند. ملاحظه کنید! برای اولین بار در تاریخ جهان عرب و اسلام و در تاریخ معاصر جهان، تصاویر «عمامه» رسول الله (ص) در خیابانهای شهرهای جهان به دست گرفته شد. عمامه رسول الله که سید حسن نصرالله بر سر دارد، نماد مقاومت ضد صهیونیستی است. این اتفاق ساده‌ای نیست که سید حسن نصرالله مرزهای جغرافیایی لبنان را تا آن سوی دنیا در نوردیده و محبوبیت او فراتر از ادیان و مذاهب دنیا رفته است. این یک دستاورد بزرگ انسانی است که به نام دبیرکل حزب الله ثبت شد و بی‌تردید با تأثیر منفی بر زمامداران مستبد خواهد داشت. همان‌گونه که در آغاز بحث گفتیم، شاید برخی از سران عرب به آسانی تسلیم این تحول نشوند و ترجیح دهند که عناد و لجابت را ادامه دهند و در مقابل این حقیقت تاریخی بایستند، اما تردیدی نیست که موج ویرانگر مردمی آنها را سرنگون خواهد کرد.

مباحثات می‌کنند، همه آزادیخواهان احساس بالتنگی میکنند و همه ملت‌های تحت ستم آرزو دارند که این تجربه، همگانی و فراگیر شود و مکتب حزب الله و سید حسن نصرالله در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تدریس شود، زیرا این مقاومت در برگزیده همه نقاط قوت امت اسلامی است که توانسته عوامل ضعف دشمن را شناسایی کند. در شرایط کنونی که امت اسلامی با تهاجم همه جانبه آمریکا و دشمن صهیونیستی مواجه است، مکتب حزب الله بهترین الگو و سرمشق است. مکتب حزب الله تنها راه حل است. رهبران جنبشهای آزادیبخش در موارد بسیاری دچار مشکلات و کشمکشهای جانبی شده‌اند، اما رهبری بی‌نظیر سید حسن نصرالله، جایگاه حزب الله را در دل ملت‌ها قرار داده است. بسیاری از رهبران نهضت‌های رهایی‌بخش به علت کشمکشهای درونی و حاشیه‌ای، محبوبیت و تأثیر خود را در میان مردم و هواداران خود از دست داده‌اند.

مقاومت اسلامی لبنان در جنگ اخیر ثابت کرده که با تکیه بر ملت و اخلاص در پیکار می‌توان بر اسرائیل چیره شد. علت ناکامی نظامهای سیاسی حاکم و برخی از نهضت‌های آزادیبخش در ۵۰ سال اخیر چه بوده است؟ همچنین این پیروزی چه آسیبی به نظامهای سیاسی حاکم وارد خواهد آورد؟

من معتقدم که موفقیت‌ها و پیروزیها و دستاوردهای حزب الله و پیامدهای جنگ‌های موفقیت‌آمیز پیشین مقاومت اسلامی لبنان با اسرائیل که حزب الله را به ساحل امن رسانده است، در تاریخ معاصر جهان اسلام و منطقه با حروف طلایی ثبت خواهد شد و همه این دستاوردهای بزرگ، سایه سنگین خود را بر سایر سران و پادشاهان و نظامهای سیاسی حاکم بر جهان عرب خواهد افکند و آنها را تحت الشعاع این مقاومت و ایستادگی مردانه قرار خواهد داد. اگر این نظامها و حکومت‌های مستبد از مقاومت و پیروزی حزب الله و این آزمون بزرگ دریغ نکنند، بی‌تردید در برابر رستاخیز اجتناب‌ناپذیر ملت‌ها سقوط خواهند کرد. دیر یا زود ملت‌ها قیام خواهند کرد و زمام امور را به دست خواهند گرفت، زیرا مکتب حیات‌بخش ملت‌ها به فرد، گروه، فرقه و مذهب خاصی تعلق ندارد. از نظر من پیروزی حزب الله تأثیر شگرفی بر اوضاع جهان عرب و دنیای اسلام خواهد داشت، زیرا مقاومت اسلامی معادلات سنتی و تاکتیکی ارتش‌های کلاسیک و حتی جنگ‌های نامنظم و چریکی را از بین برد.

توده مقاومت، برای اولین بار، جامعه مقاومتی را آفرید. همه جنبش‌های رهایی‌بخش پیشین، گروه‌ها و دسته‌های رزمجویی را در اختیار داشتند که در کوهستانها، غارها و جنگل‌ها زندگی و شهروندان هم از آنان پشتیبانی می‌کردند. سید حسن نصرالله توانست مکتب جدیدی را به وجود بیاورد که در پرتو آن، همه افراد و اقشار جامعه و هم کسانی که با او هم عقیده و همفکر نیستند، ناچارند در کنار او قرار گیرند و پشت جبهه او را تشکیل دهند. این نشان می‌دهد که دبیر کل حزب الله در جهان بینی خود به افق‌های دور نگاه می‌کند، انسانی آینده‌نگر است و با سعه صدر و روحیه‌ای که دارد میکوشد افراد بیشتری را پیرامون اهداف مرکزی جذب کند. آفرینش توده مقاومت و جامعه مقاومت، نتیجه طبیعی رفتار اصولی و تعامل آقای نصرالله با موضوع مقاومت ضد صهیونیستی است. افراد این جامعه در پرتو قطب‌نمایی که آقای نصرالله تدارک دیده، همواره به سوی هدف مرکزی که همانا آزادی قدس است، حرکت می‌کنند. بی‌تردید پیروزیها و دستاوردهای مقاومت اسلامی بر زمامداران عرب

سید حسن نصرالله، خاندان مشعل و ولید جنبش‌ها.

